خبرها

تقاضای عدم دریافت پیام تبلیغاتی کنید

فارس: مشترکان تلفن همراه می‌توانند از طریق تماس با تلفن ۰۹۹۹۰ و اعلام «نام و نام‌خانوادگی»، «شماره تلفن همراه» و «شماره پرونده مندرج در شناسنامه سیم‌کارت»، تقاضای قطع و عدم دریافت پیام کوتاه تبلیغاتی را بکنند. تسهیلاتی که شرکت ارتباطات سیار (MCI)، از خردادماه سال گذشته، به منظور رعایت حقوق مشترکین و ایجاد شرایط انتخاب برای آنان در مورد پیام‌های کوتاه تبلیغاتی ایجاد کرده است کماکان ادامه دارد. آن دسته از مشترکانی که مایل به دریافت پیام کوتاه (SMS) تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی، که به صورت انبوه ارسال می‌گردد، نیستند کماکان می‌توانند از طریق تماس با تلفن گویای ۰۹۹۹۰ از شمار دریافت‌کنندگان این گونه پیام‌ها، خارج شوند. در طول قریب به یک سال گذشته تنها سه هزار و ۵۶۱ نفر از بالغ بر ۸/۵ میلیون مشترک شرکت ارتباطات سیار درخواست عدم دریافت این گونه پیام‌ها را داده‌اند.

برق صنایع پرمصرف قطع می‌شود

فارس: قائم‌مقام شرکت توانیر گفت: در صورت کمبود برق در شبکه سراسری در آغاز فصل تابستان با هماهنگی و اطلاع قبلی برق صنایع بزرگ و پرمصرف خاموش می‌شود. مسعود حجت افزود: بخشی از کمبود برق در ساعات اوج مصرف در تابستان امسال با مدیریت مصرف صنایع بزرگ رفع خواهد شد که این مدیریت مصرف همانا خاموشی صنایع بزرگ و پرمصرف با اطلاع قبلی خواهد بود. وی با تاکید بر اهمیت مدیریت مصرف برق اظهار داشت: برای پاسخگویی به افزایش مصرف برق و جلوگیری از خاموشی‌های ناخواسته در فصل تابستان، واردات برق از کشورهای همسایه در این فصل به روزانه ۷۰۰ مگاوات افزایش خواهد یافت. وی افزود: در حال حاضر روزانه ۶۰۰ مگاوات برق از کشورهای همسایه وارد می‌شود اما به دلیل اینکه مصرف برق در فصل تابستان افزایش می‌یابد در تلاش هستیم واردات برق از این کشورها با ۱۰۰ مگاوات افزایش به ۷۰۰ مگاوات برسد. وی اظهار داشت: به‌رغم اینکه روزانه ۵۰۰ تا ۶۰۰ مگاوات برق وارد کشور می‌شود روزانه ۳۵۰ مگاوات برق نیز به برخی از کشورهای همسایه صادر می‌شود. وی با بیان اینکه ذخیره ۵ درصدی برق، خاموشی برق را در مواقع بروز حوادث افزایش می‌دهد تاکید کرد: شرکت توانیر برای پاسخگویی به مصرف برق تا مرز ۳۵ هزار مگاوات در فصل تابستان را بدون رزرو جدی پیش‌بینی کرده است اما اگر در همان لحظه افزایش دما و مصرف برق، نیروگاه بزرگی و یا خطوط مهمی از شبکه خارج شود شبکه برق با مشکل مواجه خواهد شد.

معاملات نفتی با دلار خواهد بود

ایسنا: کاظم وزیری‌هامانه – وزیر نفت – پس از بازگشت از نشست ۱۴۱ اوپک به تشریح نتایج این اجلاس و دستاوردهای سفر خود به ونزوئلا پرداخت. وی گفت: در نشست‌های ۵۹ نظارتی و ۱۴۱ فوق‌العاده اوپک گزارش عملکرد نفت از طریق دبیرخانه ارائه شد. تولید اوپک در حال حاضر کمتر از ۲۸ میلیون بشکه در روز است، ولی با توجه به این که نفت در بازار فراوان و تقاضا نیز کمتر از عرضه است، عرضه اضافی به بازار به عنوان ذخیره محسوب می‌شود. وی ادامه داد: گزارش ارائه شده در نشست ۱۴۱ اوپک حاکی از آن بود که با توجه به عرضه نفت در بازار و قیمت‌های فعلی، رشد اقتصاد جهانی مانند سال گذشته ۴/۷ درصد در سال خواهد بود و در آسیا نیز رشد اقتصادی کشورهایی نظیر هند و چین ثابت می‌ماند؛ یعنی این که قیمت‌های نفت بر رشد اقتصاد جهانی اثری نداشته است. وی خاطرنشان کرد که رشد قیمت‌های فعلی عمدتاً به دلیل عملیات دلال‌های نفتی و صاحبان صندوق‌های بازنشستگی است که پول زیادی را برای معاملات کاغذی به بازار می‌آورند. وزیری‌هامانه گفت: اجلاس وزیران به این جهت‌بندی رسید که با وجود مصلحت کشورهای صادرکننده در کاهش سطح تولید، شرایط عمومی بازار اجازه این اقدام را نمی‌دهد و بهتر است سقف تولید ثابت بماند و همچنین توصیه شد در صورت سقوط قیمت نفت تا زمان نشست بعدی اوپک در شهریورماه، نشست فوق‌العاده‌ای برگزار شود. وزیر نفت در خصوص پیشنهاد فروش نفت به یورو به جای دلار که در این اجلاس از سوی ونزوئلا نیز مطرح شده بود، گفت: در حال حاضر به دلیل این که پایه قیمت‌گذاری بر روی دلار است، امکان چنین تغییری وجود ندارد، اما در عین حال این موضوع در دیدار دوجانبه من و وزیر نفت و انرژی ونزوئلا مطرح شد و ما معتقدیم که هر کشوری حق دارد کالای خود را به هر ارزی که می‌خواهد به فروش برساند. وزیری‌هامانه با بیان این که در حال حاضر پول نفت را به هر ارزی که بانک مرکزی اعلام کند ارائه می‌کنیم، افزود: گرچه قیمت‌گذاری براساس دلار است، اما دریافت ما فعلاً می‌تواند به هر ارز دیگری انجام شود. وی در ادامه در پاسخ به پرسش دیگری در خصوص تعیین سقف قیمتی برای نفت در این سازمان تصریح کرد: اوپک هیچ‌گاه قیمت‌گذاری نکرده است و تنها مقدار عرضه نفت را متناسب با قیمت تنظیم می‌کند تا قیمت‌ها سقوط نکنند. از نظر اعضای اوپک بالا یا شناور بودن قیمت‌های نفت برای هیچ یک از آنها مطلوب نیست و در این نشست نیز در مورد قیمت خاصی اظهارنظر نشد و همه تاکید داشتند که با توجه به افزایش تولید اخیر اگر روند قیمت‌ها کاهش چشمگیری داشته باشد، اجلاس فوق‌العاده برگزار کنند. وزیر نفت همچنین اعلام کرد که موضوع پیوستن کشورهای بولیوی، اکوادور و آنگولا به اوپک از سوی ونزوئلا مطرح و تایید این پیشنهاد منوط به بررسی‌های کارشناسی و تطبیق این خواسته با اساسنامه اوپک شد. وی در خصوص تعیین دبیرکل اوپک نیز گفت: به دلیل غیبت چند کشور اصلی در سطح سران، موضوع تعیین دبیرکلی برای اوپک مطرح نشد. وزیری‌هامانه در ادامه در خصوص نتایج نشست‌های خود با وزیر امور خارجه و انرژی ونزوئلا و همچنین هوگو چاوس ـ رئیس جمهور ونزوئلا ـ اظهار کرد: همکاری‌های دو کشور ایران و ونزوئلا علاوه بر بخش انرژی در صنعت و زمین‌شناسی نیز انجام می‌شود و شرکت پتروپارس یکی از شرکت‌هایی است که در دو بخش در این کشور فعال شده است. وی افزود: پتروپارس در حال حاضر مطالعات یک میدان نفتی را به سفارش شرکت نفت ونزوئلا و به منظور ارائه خدمات به آن پذیرفته و در عین حال ارزیابی و توسعه یک میدان دیگر را هم بر عهده دارد. وی افزود: طبق پیش‌بینی‌ها ظرفیت تولید کشور تا چهار سال آینده چهار میلیون و ۴۶۰ هزار بشکه خواهد بود. وزیری‌هامانه خاطرنشان کرد که پیشنهاد رئیس جمهور در مورد تشکیل صندوق اوپک در جلسه اصلی اجلاس مطرح نشد، ولی در مورد این پیشنهاد در دیدار با رئیس جمهور ونزوئلا صحبت شد و وی اعلام آمادگی کرد که حتی اگر سایر کشورها در این صندوق عضو نباشند، این اقدام را به صورت دوجانبه انجام دهیم.

دولت چشم‌انداز و دولت بودجه ۸۵

دولت و بودجه در منظر اسناد قانونی

دکتر محمد ستاری‌فر*

رویکرد مهم سند چشم‌انداز سیاست‌های کلی نظام و برنامه چهارم توسعه را باید در پی‌ریزی نهادهای توسعه‌ای (قواعد بازی) لازم برای توسعه پایدار و همه‌جانبه کشور جست‌وجو کرد. منظور از نهادها یا قواعد بازی، ساختار قانونمندی‌ها، مدنیت‌ها، رفتارها، تعامل‌ها و انگیزش‌های جامعه است. بدون نهادها هیچ‌گونه نظم و تمدنی شکل نگرفته و نخواهد گرفت. بنابراین هر جامعه و کشوری که از نقش نهادها و توسعه‌ای کردن آن غفلت کند، محکوم به شکست است. در واقع می‌توان اختلاف کشورها در دستیابی به رشدهای اقتصادی متفاوت را در کیفیت و کمیت نهادها و قواعد بازی کشورها جست‌وجو کرد. تعامل و بالندگی بین سه قلمرو آن: ۱– قواعد رسمی (قانون اساسی قوانین و مقررات)، ۲– قواعد غیررسمی (رفتارهای خودجوش و یا عرفی) و ۳– کارکرد اجرا و عمل (اجرای اختیاری و متکی بر اخلاق، اجرا براساس قانون و یا اجبار) نیز خود محتاج قاعده نهادی است. سند چشم‌انداز و برنامه چهارم نیز درصدد بهره‌گیری توسعه‌ای از نهادها و قواعد بازی که دستاورد برنامه‌های قبلی و تکامل‌بخشی به آن بوده است.

■ ناکارآمدی‌های حاکمیت در زمان تنظیم سند چشم‌انداز

نگاه اصلی و کلیدی حاکم بر اسناد چشم‌انداز، سیاست‌های کلی و برنامه چهارم متوجه ساختار حاکمیت و دولت بوده است که درصدد بوده با ارائه راه‌حل برای این مسائل و مشکلات و نهادینه‌کردن آنها کشور را از بسیاری مشکلات رهایی بخشد. بخشی از چالش‌ها و ناکارآمدی ساختار حاکمیت پیش‌روی سند چشم‌انداز و برنامه چهارم عبارت بوده است از: نظام دیوان‌سالاری کشور بزرگ و غیرکارآمد بودن آن و تعارض میان ساختار سازمانی و ماموریت‌های کلان دولت با هزینه‌ها. مداخله دولت در امور مردم و بخش خصوصی بسیار زیاد باشد و کنترل و نظارت دولت نامناسب و دارای خطا است. خطای غفلت دولت در امور حاکمیتی (عدم انجام امور حاکمیتی به‌صورت جامع، کارآمد و کافی) و خطای مداخله دولت (که موجب ایجاد اختلال در تعامل با بازیگران داخلی شامل بازار، جامعه مدنی، افکار عمومی نهادها و . . . شده است.) همچنین ضعف کارایی دولت در شاخص‌های حکمرانی خوب که این شاخص‌ها عبارتند از شاخص‌های حق اظهارنظر، پاسخگویی، ثبات سیاسی، عدم خشونت، کیفیت مقررات تنظیمی، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد و اثربخشی دولت. مشکل دیگر مربوط به فقدان نظام ارگانیک بین اجزا و مجموعه حاکمیت باشد. به بیان دیگر قوای مختلف کشور از انسجام لازم برخوردار نبوده و فرآیندهای نوسازی و بازسازی آنها ناکافی باشد. مدیریت توسعه کشور نیز به‌صورت کارآمد شکل نگرفته باشد، دولت به نفت متکی بوده و همین عامل سبب شد بودجه و دولت نفتی و رانتی و وجود امتیازهای متعدد رانتی شکل بگیرد. ساختار بودجه نیز کارآمد باشد، چنان‌که بودجه به شکل غالب وابسته به نفت بوده و سهم درآمد مالیاتی در آن پائین باشد، اقتصاد زیرزمینی گسترده و پایه‌های مالیاتی کوچک است. ترتیبات امنیتی مدنی و قضایی فراگیر و جامع، باکفایت، دردسترس، سریع، ارزان، شفاف، قابل پیش‌بینی، منصفانه و پاسخگو که کشور در این قلمرو نیز در رنج بوده است. نظام قضایی مدافع حقوق شهروندان نیز جای خود را به نظام قضایی مدافع حاکمان یا گروه‌های خاص داده است. در لایه‌های اجتماعی نیز ضعف‌هایی به چشم می‌آید که پرداختن به آن ضروری است. ضعف در صیانت حقوق خصوصی، اجتماعی و حقوق‌بشر افراد و جامعه به‌صورت قانونمند و نهادینه شده و عدم رعایت حقوق افراد در مقابل اعمال بخش‌های حاکمیت از جمله چالش‌های پیش‌روی سند چشم‌انداز و برنامه چهارم بوده که اعتلا و توسعه ایران را به تعویق انداخته است. وجود تبعیض‌های جنسیتی و قومی و گروهی و عدم رعایت حفظ حریم خصوصی افراد نیز به این مسائل دامن زده است. همچنین تشکل‌های قدرت به‌صورت غیررسمی و غیرشناسنامه‌ای در جامعه تا حد گسترده‌ای فعال بوده که این تشکل‌ها هیچ تعهدی به پاسخگویی ندارند. در این میان فقدان تشکل‌های صنفی، مجامع تخصصی و نهادهای مدنی جهت داوری حقوقی و دفاع از حقوق شهروندی که موجبات ضعف بالندگی توسعه را فراهم می‌سازند نیز وجود دارد.

■ بازآفرینی ساختار و کارکردهای دولت

در چنین فضا و شرایطی کشور و مجموعه نظام درصدد برآمده‌اند با تنظیم سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سند سیاست‌های کلی نظام و سند قانون برنامه چهارم ساختار و کارکردهای دولت را به‌گونه‌ای بازسازی و نهادسازی کنند که حاکمیت و دولت از ۱۱ مشخصه اساسی برخوردار باشند که اینها عبارتند از دولت راهگشا (هدایت‌گر نه تصدی‌گر)، رسالت‌مدار، نامتمرکز، مشتری‌مدار، نتیجه‌بین، بازارمدار، فرصت‌ساز و بهره‌گیر از فرصت‌ها، کارآفرین، پیش‌گیر (به‌جای دولت درمان)، رقابتی و متعلق به همه جامعه، همه مناطق و همه نسل‌ها باشد. برای بازآفرینی ساختار و کارکردهای فوق‌الذکر نیز سه ماموریت کلیدی برای دولت در این اسناد قانونی تعریف شد. اینکه با خصوصی‌سازی تصدی‌های دولت، مالکیت‌های دولتی، خصوصی شود، با گسترش فضای کسب و کار و عرصه‌ها مردم و بازار، اقتصاد کشور به شکل غالب خصوصی شود و دولت نیز به‌صورتی شکل‌دهی شود که خطای مداخله در امور بازار و مردم و خطای غفلت در انجام وظایف حاکمیتی خود را نداشته باشد و دولت– بازار– جامعه مدنی بتوانند مدارگونه فعالیت توسعه‌ای لازم را داشته باشند.

■ رویکردهای مبانی چشم‌انداز

در همین راستا رویکردهای مبانی چشم‌انداز به شرح زیر است:

– پذیرش اصل شکل‌دهی حاکمیت توسعه‌گرا و مقتدر و برخوردار از نظام توسعه مدیریت‌ها و نظام‌های نوین علمی، فنی، حقوقی و اداری کارآمد

– بازآفرینی و توسعه نظام مدیریت دولت به منظور شکل‌دهی فرد مدنی، جامعه مدنی، دولت مدنی و اقتصاد مدنی و مشارکت‌مدار

– پذیرش اصل تدبیر، شفافیت، دانایی، پاسخگویی در مجموعه حاکمیت

– پذیرش دولت برخوردار از جامعیت، فراگیر و باکفایت در تولید کالاهای عمومی و حاکمیتی (امور سیاستگزاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و نظارت، حمایت از مالکیت‌های حقیقی و حقوقی قلمروها و عرصه‌های آزادی، توسعه علمی و اطلاع‌رسانی همه‌جانبه، برقراری عدالت و تامین اجتماعی و بازتوزیع درآمدها، ایجاد فضای سالم برای رقابت و جلوگیری از انحصار و تضییع حقوق مردم، فراهم‌سازی زمینه‌ها و مزیت‌ها برای رشد و توسعه کشور و رفع فقر و بیکاری، استقرار نظم و امنیت و اداره قضایی برای بالندگی حقوق شهروندی، حفظ تمامیت ارضی، ایجاد آمادگی دفاعی، صیانت از هویت ایرانی– اسلامی، ارتقای سرمایه انسانی و اجتماعی، اداره امور داخلی، مالیه عمومی، تنظیم روابط کار، تنظیم مناسبات و روابط خارجی، حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی، توسعه علمی کشور، بسط بهداشت و سلامت مردم و . . .) و سرپرستی تصدی‌های اجتناب‌ناپذیر اقتصادی و اجتماعی

– دولت آینده‌نگر، مشارکت‌جو، آحاد مردم و نهادهای مدنی، دولت تنظیم و هدایت‌کننده امور به‌جای دولت مداخله‌گر و پرهیز از خطای غفلت (دور شدن از انجام وظایف اصلی خود) و خطای مداخله (دخالت در اموری که نباید داشته باشد و به عهده مردم، بخش خصوصی و بازار است)

– دولت تحکیم‌بخش و حامی مالکیت فردی و خصوصی و مشوق انگیزه‌های اقتصادی برای فعالیت‌های پایدار و همه‌جانبه مردم و بخش خصوصی در امور

– دولت برخوردار از کارکردهای کارآمد در امور تخصیصی، توزیعی، تثبیتی و تنظیمی

– دولت متکی بر اخلاق، مشارکت و فضیلت مدنی، مروج بالندگی مردم و نهادهای مدنی

– دولت دارای مولفه‌های پاسخگویی، شفافیت، تابع حاکمیت قانون و متعهد به قانون‌محوری، مشارکت‌خواهی، مسئولیت‌پذیری، اجتماع‌محوری دارای انصاف و عدالت

– توسعه نظام سیاستگزاری و برنامه‌ریزی و مدیریت قلمرو دولت در جهت کیفیت بالاتر و بهتر خدمات

– تقویت توسعه‌ای کردن امور حاکمیتی کشور (امور برنامه‌ریزی و تخصیص منابع ملی، نظارت، جلوگیری از انحصارات و توزیع درآمدها، استقرار نظم و امنیت، رفع فقر، توسعه عدالت اجتماعی و . . .) و پی‌ریزی حکومت به دور از حق استیلا به هر بهانه و هر منطق

– محدود کردن دولت به اجرای وظایف اصلی (امور حاکمیتی) و حضور همه‌جانبه‌تر، باکفایت‌تر، فراگیرتر و جامع‌تر دولت در این قلمروها با تکیه بر موازین آینده‌نگری، توسعه‌گرایی و کارآمدی

– شکل‌دهی دولت بازارگستر و رقابت‌پذیر کردن اقتصاد، تنظیم امور کشور با مشارکت حداکثر مردم و مداخله مستقیم کمتر خود در امور بازار، بخش خصوصی و مردم و پرهیز از خطای غفلت (دور شدن از وظایف اصلی خود) و خطای مداخله دولت در امور مردم

– دولت امنیت‌آفرین، ثروت‌ساز و مولد سرمایه اجتماعی، قانونمند و قانون‌گرا

– ارتقای تصدی‌های اجتماعی و فرهنگی و خدمات تکلیفی دولت همچون قلمرو آموزش، بهداشت و پژوهش و . . .

– اصلاح ساختار و کارکردهای حاکمیت و توسعه‌ای شدن آن (شکل‌دهی فرآیندهای دولت مقتدر، کارآمد و قابلیت‌ساز، دولت انطباق‌گر، دولت رفاه‌گستر و در نهایت دولت شهروندی‌مدار تعامل‌گرا) جهت کسب صلاحیت برای مدیریت توسعه کشور

– عدالت در تخصیص ثروت در اختیار دولت (توزیع عادلانه و متوازن انفال و سرمایه‌های عمومی به بخش‌ها و مناطق)، عدالت در قدرت و توزیع آن بین مرکز– استان– مناطق با رویکرد نقش‌آفرینی اصلی پیکره قدرت به مدیران و مسئولان استانی و مدیران و کارشناسان و ساختن منظومه کارآمد از عناصر شرکت‌کننده نظام تصمیم‌گیری

– پی‌ریزی فرآیند مشارکت پایدار مدیران و کارشناسان در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و شکل‌دهی نصب مدیران به‌صورت انتخابی– انتصابی یا انتصابی– انتخابی

– پرهیز از تعدد مراکز تصمیم‌گیری و ایجاد ثبات در سیاستگزاری

– اصلاح مستمر کارایی کمی و کیفی دولت و مقایسه تطبیقی آن با شاخص‌های حکمرانی خوب

■ بودجه سال ۸۵ و دولت در سند چشم‌انداز

بخش زیادی از اهداف بازآفرینی ساختار و کارکردهای دولت و تحقق اهداف چشم‌انداز از مجرای بودجه‌های سنواتی عملیاتی می‌شود. دولت در بودجه باید به‌عنوان مظهر نماینده حاکمیت مروج وفاق، انسجام، رشد، تعادل و توازن باشد. دولت به‌عنوان نماینده رای‌دهندگان مسئولیت بهبود سطح زندگی، استقلال بیشتر در زندگی، عزت نفس، آزادی و افزایش حقوق شهروندی داشته باشد. دولت به‌عنوان تخصیص‌دهنده منابع عمومی باید با عدالت در داخل نسل و بین نسل‌ها عمل کند و در نهایت دولت به‌عنوان یک کارفرمای بزرگ و البته برخوردار از تصدی‌های گسترده، مسئول چگونگی کارایی و نتیجه‌بخشی از این تصدی‌ها باید باشد.

در سند بودجه سال ۸۵ که بخشی از این وظایف و رویکردهای نهادی که بسیار اساسی بوده و توسعه یافتگی کشور تا حد بسیار گسترده‌ای به آنها متکی است مغفول مانده است. درخصوص بودجه سال ۸۵ کشور اعلام شد که بودجه‌ریزی عملیاتی است و با دو رویکرد صرفه‌جویی و اثربخشی تدوین شده است. حسب اظهارنظر ریاست محترم جمهور و اسناد لایحه گفته شده که بودجه سال ۸۵ کشور منشاء ایجاد تحول اساسی در بخش دولت و اثربخشی برنامه‌ها و فعالیت‌ها خواهد بود زیرا این بودجه تعقیب‌کننده هدف افزایش رشد اقتصادی، به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی، نقش توزیعی دولت در راستای برقراری عدالت اجتماعی و عادلانه کردن توزیع درآمدی را دارد. راهبرد کلان مورد توجه دولت در تنظیم بودجه بسط عدالت و توسعه و تعالی همه‌جانبه و درون‌زا و به کارگیری علوم و فنون پیشرفته برای تحقق عدالت و ارتقای سلامت و رفاه اجتماعی است. راهبردهای اقتصادی دولت در همین جهت خوداتکایی در تولید، فعال کردن ظرفیت‌های اقتصادی، تولید برای صادرات، توزیع عادلانه ثروت، تمرکززدایی، ایجاد اشتغال، محرومیت‌زدایی، رفع تبعیض، ارتقای قدرت مردم و رفاه اجتماعی بیان شده است. این بیانات ریاست‌جمهوری در شرایطی گفته شده که در نظام برنامه‌ریزی ایران در ظرف ۵۵ سال گذشته، حسب قانون برنامه و بودجه، بودجه‌های سنواتی دولت در هم‌پیوندی با برنامه توسعه پنج‌ساله است و از این‌رو بودجه سال ۸۵ که باید برشی یک‌ساله از برنامه پنج‌ساله باشد. حسب تجارب و جهت رفع کاستی‌های حقوقی، قانونی، اقتصادی و همچنین جهت اثربخشی و کارایی بیشتر این هم‌پیوندی بین «بودجه سالانه کشور و برنامه» مورد توجه ویژه برنامه چهارم قرار گرفته شد و این برنامه درصدد بوده است که هم‌پیوندی بین بودجه و برنامه را بیش از گذشته عمیق‌تر و متکامل‌تر کرده و آن دو را در یک مدار تسلسلی و ارگانیکی قرار دهد. از این رو لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ نیز الزاماً و قانوناً باید در چارچوب موازینی از پایه‌ها و الزامات و نبایدهایی که مراحل مذکور به ویژه سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی و احکام برنامه چهارم تعیین کرده است، تدوین و بررسی شود و مورد تصویب قرار گیرد و الزاماً باید رویکردها، راهبردها و خط‌مشی‌های اساسی این لایحه بودجه، چه در ابعاد منابع، مصارف، توزیع، تخصیص، هدف‌گذاری، نهادسازی و . . . مطابق با این اسناد قانونی چشم‌انداز و برنامه چهارم باشد. که متاسفانه این فرآیندها مورد عمل قرار نگرفته است و عملکرد دولت بدان‌گونه است که آگاهانه و ناآگاهانه نسبت به تخریب و تضعیف نهادی ساخته شده طی برنامه‌های توسعه قبلی مبادرت داشته باشد. نهادهایی که ساختن آن بسیار برای کشور در بعد زمانی و هزینه‌ای هزینه داشته است. قانونمندی‌های حاکم بر چگونگی فرآیندهای منابع، مصارف، نظام تخصیصی، چگونگی تعامل دولت با بازیگران اقتصاد (بخش خصوصی، بازار و مردم) در بودجه سال ۸۵ به صورت گسترده‌ای در تقابل و در تضاد با رویکردهای اسناد قانونی بالادستی بودجه سال ۸۵ قرار دارد. اسناد بالادستی که اصرار بر اصلاح نهادها و قواعد بازی در کشور داشته ولیکن رویکرد بودجه ۸۵ در تقابل با این رویکرد است.

■ مغایرت‌های بودجه ۸۵ با اسناد قانونی

مغایرت‌های گسترده‌ای در زمینه علمی، اقتصادی، حقوقی، مالی، سازمانی و مدیریتی بین ساختار و کارکرد بودجه ۸۵ با اسناد قانونی بالادستی خود وجود دارد. چند نمونه از آن عبارتند از:

۱– مغایرت همه‌جانبه با موازین نوسازی و بازسازی دولت و شکل‌دهی دولت کارآمد و به دور از خطای مداخله و خطای غفلت در انجام کارها.

۲– مغایرت همه‌جانبه با موازین علمی، ارزشی، منزلتی و سازمانی حاکم بر اسناد چشم‌انداز، سیاست‌های کلی و برنامه چهارم.

۳– مغایرت همه‌جانبه با موازین و منطق‌های نظام تخصیص در منابع و مصارف، منزلت بخش خصوصی و مغایرت با رویکرد ماده ۲ قانون برنامه چهارم.

۴– مغایرت جدی با موازین دور شدن از بودجه نفتی و دولت رانتی و شکل‌دهی اقتصاد نفتی. (بند ۴۲ سیاست‌های کلی)

۵– بی‌انضباطی مالی و بودجه و عدم تعادل بین منابع و مصارف. (مغایرت بند ۵۰ سیاست‌های کلی)

۶– مغایرت در چگونگی سامان و سازمان مدار دولت– بخش خصوصی– بازار.

۷– افزایش سرسام‌آور هزینه جاری دولت و اتکای آن به درآمدهای نفتی. (مغایرت با ماده ۲ قانون برنامه چهارم و سیاست‌های کلی نظام)

درحالی که چنین مغایرت‌هایی وجود دارد، ساختار و کارکرد بودجه سال ۸۵ از منظر رویکردهای تدوین آن و چگونگی سامان و اجرای آن، نه تنها تکامل‌بخش نهادها و قواعد بازی در عرصه‌های ساختار اقتصاد و کارکرد آن نیست بلکه بعضاً رویکردهای بودجه سال ۸۵، متضاد و ایجادکننده اخلال و نابسامانی‌هایی در بازار پول، بازار سرمایه، بازار کار و اشتغال، در محدود کردن عرصه‌ها برای مردم و بخش خصوصی، در تعامل ثمربخش با اقتصاد جهانی، در صیانت از سرمایه انسانی و اجتماعی کشور و . . . را به صورت گسترده فراهم خواهد ساخت. دولت که باید از منظر اسناد قانونی بالادستی بودجه، خود را متناسب، کارآمد و توسعه‌ای کند، در این رویکرد که انتخاب کرده است در یک مدار بزرگ شده، غیرکارآمدی و با اتکای بیشتر به نفت و هزینه کردن بی‌برنامه آن، ساختار و کارکرد خود را سوق خواهد داد که اینها نیز در مغایرت جدی با جهت‌گیری‌های اسناد بالادستی بودجه ۸۵ است.

*** رئیس اسبق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی**

اگر بخواهیم می‌توانیم

علیرضا طهماسبی*

روزنامه کیهان هفته گذشته از افزایش تعرفه تلفن همراه انتقاد کرده بود. علیرضا طهماسبی وزیر صنایع و معادن با ارسال یادداشتی به این روزنامه که در روز شنبه ۱۳ خرداد به چاپ رسید، استدلال خود را در این رابطه بیان کرده است که در ذیل می‌آید.

■■■

ظاهراً مسئله تعیین تعرفه واردات گوشی تلفن همراه آنچنان داغ و تبدیل به یک مسئله ملی شده است که دوست عزیزم جناب آقای حاج‌حسین شریعتمداری که بسیار به ایشان ارادت دارم را هم وادار به واکنش کرده است. چون ایشان در ستون نکته روزنامه کیهان مورخ ۸۵/۳/۱۰ نکاتی را مطرح فرموده‌اند، با توجه به جایگاه خاصی که برای روزنامه کیهان قائلم، من نیز در پاسخ نکاتی را به عرض مردم عزیزمان می‌رسانم.

۱– اولاً ایشان فرموده بودند که این کالا، مشابه داخلی ندارد پس این تعرفه برای چه وضع شده است ولی برادر عزیزمان متذکر نشده‌اند که چرا در کشورهای دیگر نظیر هند، چین، برزیل، مکزیک و . . . و حتی دو کشور همسایه ما پاکستان و ترکیه این کالا مشابه داخلی دارد ولی در ایران مشابه داخلی ندارد. اگر خوب به مطلب توجه کنیم، پی می‌بریم که اصولاً وضع نظام تعرفه‌ای مناسب است که سرمایه‌گذار و شرکت خارجی معتبر را مجبور به مشارکت در ساخت هر کالا در کشور بازار هدف می‌کند وگرنه اگر تعرفه‌ای نزدیک به صفر موجود باشد هیچ وقت هیچ شرکت خارجی خود را در مشارکت با سرمایه‌گذار داخلی (به خصوص با توجه به قوانین خاص ایران) وارد نمی‌کند. بنابراین نخست باید محیط نظام تعرفه‌ای را چنان تعریف کرد که شریک خارجی معتبر برای حفظ بازار راهی جز مشارکت برای خود نبیند و این همان راهی است که کشورهای فوق‌الذکر در آن رفته‌اند.

۲– دوم فرموده بودند که با وضع این تعرفه قاچاق گوشی تلفن همراه زیاد می‌شود و دولت حتی از آن درآمد تعرفه‌ای نزدیک به صفر خود محروم می‌شود. در این خصوص باید گفت که از لحاظ فنی کاملاً امکان جلوگیری از عدم کارکرد گوشی‌های تلفن همراه قاچاق در کشور وجود دارد. هر گوشی تلفن همراه دارای یک شماره سریال است که اگر بخواهیم، می‌توانیم به وسیله ثبت و یا عدم ثبت آن شماره سریال، اجازه کارکرد و یا عدم کارکرد آن گوشی تلفن همراه را در شبکه تلفن همراه کشور بدهیم. در این خصوص مباحثات و مذاکراتی با وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات انجام شده است که با ثبت شماره سریال تلفن‌های همراه مجاز در شبکه تلفن همراه فقط به آنها اجازه فعالیت بدهیم. با وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات هماهنگی‌های اولیه انجام شده است تا با آمادگی لازم برای ثبت به مقدار بالای شماره سریال گوشی تلفن همراه، برای مبارزه با قاچاق این کالا احراز کند.

۳– متذکر شده بودید که گوشی تلفن همراه با این تعرفه بسیار گران خواهد شد و بعضی از مردم عادی تنها یک گوشی نیاز دارند که تا آن موقع آن گوشی را خریده‌اند. باید در نظر داشت که با توجه به سقف کشش بازار برای مردم معمولی که یک گوشی معمولی ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومانی را می‌خرند، تقریباً بین ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان افزایش قیمت موجود خواهد بود. از سوی دیگر با توجه به توسعه روزافزون و سالانه شبکه‌های اپراتور اول، دوم، تالیا و (حتی سوم) نیاز به ابتیاع و یا تغییر گوشی تلفن همراه جدید همیشه موجود است. منتها متاسفانه مطلبی که در اینجا معمولاً فراموش می‌شود، این است که با توجه به تعرفه پایین ورود گوشی تلفن همراه در چند سال گذشته، چرخه عمر یک گوشی مدل روز که باید ۳ تا ۴ سال (مانند کشورهای پیشرفته) باشد به صورت متوسط ۲ سال است. تا به حال طبق بعضی از تخمین‌ها برای همین تعداد خط محدود تلفن همراه در کشور، حدود ۴۰ میلیون دستگاه گوشی وارد شده است و این آیا جز تاراج ثروت ملی است.

۴– نکته مهم دیگری را که باید در نظر داشت، مصوبه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در لایحه بودجه سال ۸۵ کشور است که نرخ متوسط تعرفه واردات را از ۱۳ درصد پیشنهاد دولت (سال گذشته ۱۰/۷ درصد بوده است) به ۱۶ درصد افزایش داد. و این یعنی برآورد پیشاپیش درآمد دولت از حدود ۳۰۰۰ میلیارد تومان به ۵۴۰۰ میلیارد تومان. آیا این عدد دست‌یافتنی است یا نه بماند.

ولی یکی از دلایلی که معاون اول محترم ریاست‌جمهوری و اعضای کمیسیون ماده یک را وادار به برگزاری جلسات متعدد تجدیدنظر در ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال جاری کرد، همین مطلب تجدیدنظر در برآورد درآمدهایی است که محقق نخواهد شد ولی هزینه آن در لایحه بودجه موجود است. حال به نظر جناب‌عالی اگر قرار باشد تعرفه‌ای بالا رود تا حتی نصف درآمد پیش‌بینی شده در بودجه درخصوص واردات محقق شود، آیا بهتر است آن تعرفه روی ماشین‌آلات و ابزار تولید (که با یک لایحه دوفوریتی برای آن معافیت گمرکی درخواست خواهد شد) و کالاهای اساسی بسته شود یا روی کالاهایی مانند گوشی تلفن همراه. در اینجا ذکر یک نکته دیگر را لازم می‌دانم و آن این است که اصولاً تعرفه ۶۰ درصدی برای واردات گوشی تلفن همراه پیشنهاد وزارت صنایع و معادن نبوده است. وزارت صنایع و معادن تعرفه تقریبی دیگری را برای تشویق به سرمایه‌گذاری تعیین کرده بود که نهایتاً با توجه به نکات فوق‌الذکر تعرفه ۶۰ درصد منصوب شد.

۵– نکته آخر اینکه به دوست و سرور عزیزم می‌گویم که پوست خربزه‌ها زیاد است. همه ما در دولت، مجلس، قوه قضائیه و رسانه‌ها باید مواظبت کنیم و آنها را از پیش پا برداریم، اگر بخواهیم، می‌توانیم.

*** وزیر صنایع و معادن**

گزارش خبری

یارانه ۴۰ میلیارد دلاری

مهر: حجم یارانه پرداختی به بخش‌های مختلف اقتصادی ایران هم‌اکنون سالیانه به ۴۰ میلیارد دلار رسیده است که تقریباً یک چهارم تولید ناخالص ملی محسوب می‌شود. پرداخت یارانه به عنوان یکی از ابزار کاستن فشار هزینه زندگی مصرف‌کننده نهایی کالا و خدمات است که دارای صفات خاص همچون فقر، محرومیت، آسیب‌دیدگی و غیره است. این ابزار همچنین به عنوان بخشی از سیاست‌های اجتماعی – اقتصادی دولت‌ها در دنیای غرب سابقه یک‌صدساله دارد و رابطه مستقیمی با پیشرفت دموکراسی و مسئولیت‌پذیری حکومت‌ها در مقابل مردم و نیاز به رای آنها داشته است. هدف اصلی در پرداخت یارانه رسیدن آن به دست گروه‌های هدف، هزینه‌های اجرایی، درجه مفید بودن؛ حد اخلال در نظ